

نوبنیاد

روزنامه سراسری
صبح ایران

هشدار خوش بینی به مذاکرات

جواد منصوری، سفیر پیشین جمهوری اسلامی ایران در چین در مصاحبه با روزنامه نوبنیاد، نسبت به خوش بینی‌ها درباره مذاکرات جاری میان ایران و آمریکا در اسلام‌آباد هشدار داد.

۲



معادله خصومت آمریکا علیه ایران در میان آتش بس شکننده و تهدیدهای فزاینده پیچیده‌تر شده است

ابهام در ادامه مذاکرات

در واپسین روزهای آتش بس، بار دیگر چهره واقعی سیاست آمریکایی خود را نشان داد؛ جایی که ترامپ دیوانه‌ای که سکان کاخ سفید را در دست گرفته و افسار خود و کشور ۳۵۰ میلیونی آمریکا را در اختیار رژیم ۹ میلیونی و جعلی اسرائیل و همچنین نخست وزیر شیطان صفت آن یعنی نتانیاهو قرار داده است، بدون هیچ محاسبه‌ای و صرفاً برای ارضای عقده‌های شخصی و جبران شکست ۴۰ روزه، ایران را به نابودی زیر ساخت‌ها تهدید می‌کند؛ تهدیدی که صراحتاً مصداق جنایت جنگی است. در شرایطی که هنوز پول‌های بلوکه شده ایران بازنگشته، حملات اسرائیل به بخش‌هایی از لبنان ادامه دارد، محاصره دریایی ترامپ شکسته نشده و در همین فضا است که دور دوم مذاکره در شرف وقوع است، همه این اتفاقات منطق مذاکره در چنین شرایطی را که با هدف تسلیم ایران است، با ابهام مواجه کرده است. موج جدید انتقال تجهیزات نظامی به منطقه و حرکت به سمت محاصره دریایی ایران، به روشنی نشان می‌دهد که مرد دیوانه کاخ سفید همچنان در توهم «تسلیم‌سازی از مسیر تشدید تنش» به سر می‌برد. از سویی دیگر حمله غیرقانونی آمریکا به کشتی باری توسکا نشانه دیگری از این است که آمریکا علاقه‌ای به حل و فصل مسالمت آمیز نداشته و فقط زبان زور را می‌فهمد.

۷



بررسی ابعاد بیانیه اخیر بیش از ۴۰ نماینده مجلس در گفتگو با روانبخش

مردم و نمایندگان بی‌اطلاع‌اند

۳

صفحه ۵

اقتصادی

جهش ۳۴ درصدی قیمت بنزین در آمریکا

استناد به منابع آگاه نشانه مسئولیت ناپذیری است

امیرحسین قاضی‌زاده هاشمی
معاون شهید رئیسی در دولت سیزدهم

دوگانه‌ای در میان تربیون داران معتقد به نظام جمهوری اسلامی پیش آمده است. عده‌ای بدنبال روشن شدن جزئیات مذاکرات تیم مذاکره کننده و گزارش مرتب موضوع به افکار عمومی هستند. همانند آنچه در دوره نبرد نظامی توسط سخنگوهای رسمی یگان‌های عمل کننده انجام می‌شد. گروه دوم با تکیه بر این نکات که در ایام نبرد همه اخبار و اقدامات قابل انتشار نیست، اصل مذاکره بر معامله بنا شده است ...

ادامه در صفحه ۳

صفحه ۱۱

فرهنگی

عارضه کوتوله پروری و عواقب آن!

از جوه غریب جمهوری اسلامی چهره‌سازی از عناصر کم‌مایه و لگدزدن همان افراد به نردبان صعود خود است.

صفحه ۱۱

فرهنگی

جای خالی مهدی‌رسولی!

چرا مهدی‌رسولی و محمود کریمی در بین نامزدهای جایزه هنر انقلاب اسلامی نبودند؟

سفیر پیشین ایران در چین در گفتگو با «نوبنیاد» پیشنهاد داد ایران برای دور دوم گفتگوها، پیش شرط جدید بگذارد

هشدار خوش بینی به مذاکرات

پیش شرط‌های ایران برای دور نخست مذاکرات، از هیات مذاکره‌کننده ایرانی خواست تا برای دور جدید گفتگوها، پیش شرط جدیدی را مطرح کند. سرانجام همکاری‌های راهبردی ایران و چین از دیگر محورهای این مصاحبه است.

جواد منصوری، سفیر پیشین جمهوری اسلامی ایران در چین و از کارشناسان و صاحب‌نظران حوزه سیاست خارجی در مصاحبه با روزنامه نوبنیاد، نسبت به خوش بینی‌ها درباره مذاکرات جاری میان ایران و آمریکا در اسلام‌آباد هشدار داد. او همچنین با اشاره به عدم تحقق همه



امیرحسین درکی

روزنامه نگار

جریان تحولات باشند را داد. البته ریشه این مسئله به گذشته برمی‌گردد، رسانه‌های مادر انتشار اخبار محافظه‌کارانه و با تاخیر عمل می‌کنند یا بعضاً با مصلحت‌اندیشی ورود می‌کنند و بعد از اینکه در خارج از کشور اخبار منتشر می‌شود واکنش و عکس‌العمل نسبت به اخبار آن‌ها صورت می‌گیرد که این مسئله یک نقطه ضعف است.

یکی از هشدارهای پرتکرار در دوران مذاکرات برجام، موضوع نفوذ بود. به نظر شما این موضوع الان موضوعیتی دارد؟

مسئله جریان نفوذ موضوع مهمی است. من نسبت به جریان نفوذ انصافاً خیلی نگرانم و واقعیتش این است که هنوز دستگاه‌های مسئول ما در این مورد هم هنوز نتوانستند افکار عمومی داخل کشور را قانع کنند.

به عنوان سوال آخر، شما جایگاه و نقش چین در کنار ایران را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ آیا آن انتظاراتی که ممکن است جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک شریک راهبردی از چین داشته باشد برآورده شده است؟

در ارزیابی روابط با چین، به نظر بنده توجه به چند نکته ضروری است: اول اینکه هر دولتی در راستای منافع ملی خودش عمل می‌کند؛ چین نیز از این قاعده مستثنی نیست. نباید انتظار داشت چین صددرصد در راستای منافع ملی ایران گام بردارد، همانطور که ایران نیز چنین انتظاری از دیگران ندارد.

دوم اینکه دستگاه دیپلماسی معمولاً جزئیات روابط خارجی را به طور کامل علنی نمی‌کند. بنابراین عدم اطلاع عمومی از جزئیات همکاری‌ها، به معنای عدم وجود همکاری نیست. سوم اینکه واقعیت آن است که چین در موارد متعددی از جمله خرید نفت، تأمین کالاهای راهبردی برای ایران، آزادی رفت و آمد و حمایت از ایران در مجامع بین المللی، همکاری‌های آشکاری داشته است. رویکرد چین متوازن، متعادل و متناسب با منافع خود بوده و بی تفاوت نبوده است.

متنی امضا و فردا پاره کنند، علاوه بر تجربه برجام، نمونه بارز این بدعهدی در دوره بوش پس‌اتفاق افتاد که با آمریکایی‌ها مذاکرات مفصلی را شروع کرده و به توافق رسیده بودیم اما چند روز بعد از امضای توافق، اعلام کردند ایران جزئی از محور شرارت است!

با توجه به احتمال برگزاری مذاکرات دور دوم، اگر بخواهید پیشنهاداتی در این زمینه به هیات ایرانی داشته باشید، چه می‌گویند؟

دسترسی به متن مورد نظر آمریکا قبل از شروع مذاکرات به نظر بنده بسیار مهم است. هیات ایرانی باید متن پیشنهادی طرف آمریکایی را به طور دقیق دریافت کند تا مشخص شود آن‌ها روی چه مواردی موافق، مخالف هستند تا اگر حق و حقوق ملت ایران رعایت نشده بود به اسلام‌آباد نروند و در صورتی که زمینه‌ای برای چانه‌زنی وجود داشت وارد مذاکره شوند. البته تأکید کردم که احتمال اینکه آمریکایی‌ها توافق کنند و سپس بدعهدی کنند بسیار بالا است.

مهم‌ترین کارت‌های ایران در مذاکرات جاری با آمریکا کدام‌اند؟

در حال حاضر ما درگیر مسائل بسیار گسترده‌تری نسبت به برجام در مذاکرات اسلام‌آباد داریم. اضافه شدن کارت تنگه هرمز به سبد ایران و حذف کارت تهدید سایه جنگ و حمله نظامی از سبد آمریکا از جمله مهم‌ترین مزیت‌های ایران است.

اگر به صورت خلاصه بخواهید به نقاط ضعف و قوت تیم مذاکره‌کننده کشورمان اشاره کنید چه مواردی از نگاه شما مهم‌تر هستند؟

به نظر بنده تأکید بر حق ملت ایران و مواضع دولت ایران نقطه قوت بود. اما اگر بخواهیم به نقطه ضعفی اشاره کنم این مسئله است که مذاکره‌کنندگان ما افکار عمومی کشور را در جریان مذاکرات قرار نداده و مردم با ابهام و سردرگمی روبرو بودند به نحوی که از رسانه‌های خارجی اخبار دریافت می‌شد. البته صحبت اخیر آقای قالیباف تا حدودی پاسخ این انتظار مردم که بیشتر در

با توجه به برگزاری دور نخست مذاکرات اسلام‌آباد و گمانه زنی‌ها در خصوص برگزاری دور دوم، تحلیل شما از این گفتگوها چیست؟ به نظر شما توافق می‌تواند شکل بگیرد؟ مواجهات بعدی میان ایران و آمریکا را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

با توجه به ماهیت نظام آمریکا و همچنین عملکرد این دولت در طی ۸۰ سال گذشته در ایران به ویژه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی قطعاً این مسئله را به اثبات می‌رساند که دولت آمریکا نه قابل اعتماد است، نه به تعهدات خود عمل میکند و نه به قوانین و مقررات معمول بین المللی پایبند است. بنابراین هرگونه تعهد یا توافق یا قرارداد با این دولت، باید با احتیاط کامل و با توجه به این اصل که «این دولت به قرارداد خودش پایبند نیست» صورت پذیرد.

ممکن است به دلایلی که شاید در هر زمانی این دلایل متفاوت باشد، با آمریکا وارد مذاکره و متنی را امضا کنیم اما باید توجه داشت که این متن قطعاً اجرایی نخواهد شد. حالا ممکن است به زیان ما و یا فقط به یک قرارداد منتهی شده باشد.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی از سال ۱۳۵۹ تا کنون چندین توافق‌نامه با آمریکا درباره‌های زمانی متفاوت داشته‌ایم و جالب است بدانید در تمام این‌ها اولاً به تعهدات خود عمل نکردند ثانياً همچنان به اقدامات‌شان علیه ایران به اشکال مختلفی ادامه دادند.

در سال ۱۴۰۴ چند بار با آمریکایی‌ها وارد مذاکره شدیم که وسط مذاکرات جنگ آغاز شد. به نظر بنده اشکالی که در این قضیه وجود داشت این بود که ما حین مذاکره دچار فراموشی از گذشته یا خوشبینی مخرب مبنی بر اینکه اتفاقی نمی‌افتد شدیم و علیرغم اینکه بار اول حمله کردند اما برای بار دوم وارد مذاکره شدیم.

بنابراین به دولت آمریکا هیچ اعتمادی نیست، آن‌ها ممکن است همین امروز

خبر کوتاه

هشدار قالیباف به فعالان جهانی بازار نفت همزمان با باز شدن بازارها

رئیس مجلس شورای اسلامی در شبکه ایکس نوشت: «هم قیمت نفت دیجیتال (کاغذی) بر اساس جو بازار تعیین می‌شود و هم اوراق قرضه، و هر دوی آنها خانه‌های پوشالی هستند که نمی‌توان به آنها اعتماد کرد؛ معیار اصلی، قیمت نفت فیزیکی یعنی همان قیمتی است که نفت واقعاً خرید و فروش می‌شود و بر اساس معاملات واقعی بازار تعیین می‌شود با این تفاوت که در مورد نفت حداقل شاخصی با عنوان قیمت نفت فیزیکی وجود دارد که میزان دستکاری شدن قیمت نفت دیجیتال را مشخص کند اما در مورد اوراق قرضه چنین نیست و همه چیز فقط بر خانه‌ای پوشالی بنا شده است.»

واکنش قرارگاه خاتم‌الانبیا به تجاوز تکاوران آمریکایی به کشتی ایرانی

سخنگوی قرارگاه مرکزی حضرت خاتم‌الانبیا گفت: پس از تجاوز آشکار تکاوران تروریست آمریکا به کشتی تجاری ایرانی در آب‌های دریای عمان، نیروی‌های مسلح جمهوری اسلامی ایران آماده برخورد قاطع با نیروهای متجاوز آمریکایی بودند. لکن به دلیل حضور برخی از خانواده‌های کارکنان کشتی یادشده، برای حفظ جان و امنیت آن‌ها که هر لحظه در خطر بودند، با محدودیت روبرو شدند. وی افزود: با توجه به شرایط موجود پس از حصول اطمینان از حفظ جان خانواده‌ها و کارکنان کشتی مورد تجاوز آمریکا، نیروهای مسلح مقتدر ایران اسلامی، اقدام لازم علیه ارتش تروریست آمریکا را انجام خواهند داد.

نیلی: پاکستان مامور نجات زیرساخت‌های سعودی است

مدیرعامل مجمع ناشران انقلاب در صفحه ویراستی خود نوشت: بدون تعارف، پاکستان در شرایط کنونی لاقال در عرصه نظامی و امنیتی، نه یک کشور مستقل و بی طرف، بلکه یک کشور تابع و هم پیمان با ارتش تروریستی آمریکا و مدافع منافع عربستان سعودی است. میانجیگری در این جنگ هم برای نجات زیرساخت‌های سعودی و هیمنه آمریکا است. مبادا فریب بخوریم.

اسماعیلی: دیپلماسی میدان را به مسلخ نبرد

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در دولت سیزدهم در اجتماع مردمی میدان خراسان تهران گفت: تجربه تلخ گذشته ایجاب می‌کند میادین را رها نکنیم. امام ما هم فرمودند: «مسئلاً فریادهای شما در میادین، در نتیجه مذاکرات مؤثر است.» وی افزود: میدان باید به دیپلماسی جهت بدهد، نه آنکه دیپلماسی، میدان را به مسلخ ببرد. دیپلمات‌ها با ایمان به موضع برتر ایران، مطالبات ملت را تحصیل کنند. در روزگار غلبه‌ی روایت‌ها، نترسید و نترسانید.

زینی وند: تعویق انتخابات برای حفظ انسجام ملی در شرایط جنگی بود

رئیس ستاد انتخابات گفت: انتخابات قرار بود یازدهم اردیبهشت‌ماه سال جاری برگزار شود و تمامی مقدمات آن بر اساس تقویم زمان‌بندی پیش رفته بود. وی افزود: بر اساس نظرات دستگاه‌های امنیتی، جریانات سیاسی و بخشی از مردم، آغاز فضای انتخاباتی ممکن بود موجب ایجاد اختلال در انسجام موجود در جامعه و تمرکز مردم بر حمایت از میدان شود. احتمال ایجاد حواس‌پرتی و کاهش همبستگی ملی از جمله دغدغه‌های مطرح‌شده بود.

اعدام ۲ تروریست

مرتبط با شبکه جاسوسی

مرکز رسانه قوه قضاییه اعلام کرد: محمد معصوم شاهی و حامد ولیدی از عناصر شبکه جاسوسی مرتبط با موساد بعد از برگزاری جلسات رسیدگی و تأیید حکم صادره در دیوان عالی کشور اعدام شدند.

سیاسی

تدارک حلقه‌های نزدیک به دولت برای تحمیل سازش

در ادامه تلاش‌های مشکوک جریان غربگرا برای کارسازی سازش برابر آمریکا، روز گذشته کانال خبری انصاف‌نیوز اقدام به برگزاری یک نظرسنجی کرد که در آن در پاسخ به سوالی مبنی بر اینکه «ا شما کدام را انتخاب می‌کنید؟»، سه گزینه «ادامه جنگ، تسلیم و توافق» به عنوان گزینه‌های پاسخ درج شده بود. هرچند پس از انتقادات گسترده، انصاف نیوز اقدام به حذف این نظرسنجی مشکوک کرد اما نزدیکی مدیرمسئول این رسانه به پاستورو حلقه‌هایی در دفتر ریاست جمهوری، نگارنی‌ها را درباره خط برخی حلقه‌های نزدیک به دولت برای تحمیل سازش پررنگ‌تر کرد. پیش از این، یوسف پزشکیان پسر رئیس‌جمهور نیز در یادداشتی عجیب از نگارنی اعضای دولت نسبت به حمله اتمی نوشته بود «البته او نیز مجبور به تسلیم و تفسیر یادداشت خود شد. اینها در حالی است که ایران همچنان که رئیس‌مجلس شورای اسلامی اخیراً تصریح کرده، میدان نبرد با آمریکا و رژیم صهیونیستی را برده است و دلیل برای سازش برابر آمریکا وجود ندارد.

گزاره و پیش فرضی که این شبها در خیابان‌ها و میدانی به کرات از سوی مردم انقلابی ایران نیز بر آن
حاکم است که در صورت تداوم به اصطلاح محاصره دریایی ایران و یا تحرکات تورپیستی اخیر ارتش آمریکا
صورت‌های مذاکره‌کننده ایرانی در دور دوم مذاکرات اسلام‌آباد وجود نخواهد داشت.

انصاف نیوز

شما کدام را انتخاب می کنید:

Anonymous Poll

☐ ادامه جنگ

☐ تسلیم

☐ توافق

بررسی ابعاد بیانیه اخیر بیش از ۴۰ نماینده مجلس درباره مذاکرات اسلام آباد در گفتگو با حجت الاسلام روانبخش

مردم و نمایندگان بی اطلاع اند

بیش از ۴۰ نماینده مجلس اخیراً طی بیانیه‌ای خطاب به ملت ایران، ضمن بیان نکاتی درخصوص مذاکرات احتمالی دور دوم در اسلام‌آباد میان ایران و آمریکا، از تعطیلی طولانی مدت صحن علمی مجلس شورای اسلامی انتقاد کردند. در بخشی از این بیانیه آمده بود: «ادامه مذاکرات در حالی که یکی از شروط تعیین شده محقق نشده، امری اشتباه و غیرقابل قبول است.» درباره مفاد این بیانیه و انگیزه نامزدان مجلس شورای اسلامی در قطع فعلی با حجت الاسلام قاسم درویش نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی و از امضاکنندگان بیانیه مذکور گفت‌وگو کردیم.

شورای اسلامی مدت‌ها است که تعطیل است از این روز درخواست نمایندگان از هیأت رئیسه محترم مجلس این است که مجلس رابه هر شیوه‌ای که می‌داند، فعال کند. حتی اگر امکان برگزاری جلسات به صورت حضور نیست، شرایطی فراهم شود که جلسات به صورت غیرحضور برگزار شود تا نمایندگان بتوانند در جریان امور کلان قرار بگیرند.

وی در همین راستا ادامه داد: بسیاری از اقدامات و تصمیمات می‌تواند در مجلس صورت گیرد که هم برای دولت و مذاکره‌کنندگان و هم برای نیروهای مسلح کشورمان پشتوانه قوی ایجاد کند. به عنوان مثال در موضوع تنگه هرمز، اگر مجلس شورای اسلامی بتواند در اسرع وقت، قانون جدید حکمرانی آن را تصویب کند، پشتوانه‌ای قانونی و حقوقی برای هیات مذاکره‌کننده ایرانی در مذاکرات خواهد بود چرا که مصوبه پارلمان ایران را دارد و باید حتما مدنظر قرار گیرد و جایی هم برای چانه‌زنی دشمن در این موضوع باقی نمی‌گذارد. در این راستا درخواست نمایندگان این است که هیات رئیسه سازوکاری را تدارک ببینید که نمایندگان بتوانند علاوه بر اطلاع از مسائل، به وظایف خود در این برهه حساس عمل نمایند.

به گفته حجت الاسلام روانبخش،

جعفر کاظمی
روزنامہ نگار

نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی در پاسخ به این سوال که بیانیه ۴۰ نماینده مجلس ناظر به کدام دغدغه‌ها و نگرانی‌های نمایندگان از روند‌های جاری در کشور منتشر شده، گفت: این دغدغه وجود داشت که در پاسخ به اقدامات متعدد آمریکا در نقض مفاد آتش‌بس از جمله حمله‌های تروریستی اخیر آمریکایی‌ها در دریای عمان، می‌بایست یک اقدام قاطعی از جانب ایران صورت پذیرد تا سبیل مدنظر آمریکایی‌ها برای جنگ، آتش‌بس، مذاکره و دوباره جنگ عادی نشود و از دستورکار آن‌ها خارج شود. چرا که معتقدیم اگر بلافاصله به نقض آتش‌بس توسط آمریکا در موعد خودش پاسخ داده نشود، شرایطی مانند لبنان برای ایران پیش خواهد آمد که هر وقت رژیم صهیونیستی اراده کند می‌رود در داخل لبنان ترور می‌کند و بلافاصله هم موضوع آتش‌بس را بیش می‌کشد.

روی افزود: اگر بلافاصله پس از هر تعرض آمریکا، پاسخ آن‌ها را در همان سطح بدهیم، طرف مقابل دیگر جرات نمی‌کند ترور و جنگ علیه ایران را عادی کرده و شرایط نه جنگ و نه صلح را بر ما تحمیل کند.

حجت الاسلام روانبخش در بخش دیگری از این مصاحبه خاطرنشان کرد: مجلس



ضرورت اطلاع از امور و جزئیات مذاکرات اسلام‌آباد، دیگر محور بیانیه اخیر نمایندگان مجلس بود. وی در این باره گفت: می‌بایست گزارشی در دور اول مذاکرات پاکستان به نمایندگان داده می‌شد. نمایندگان باید در جریان مذاکرات باشند تا بتوانند فضای مردم در حوزه‌های انتخابیه خود را با تصمیمات کلان کشور همراه کنند. البته مردم میدان هستند و همراهان ما که مردم چه نمایندگان آن‌ها در مجلس اطلاعات کافی و وافی را از جزئیاتی که در مذاکرات گذشته با می‌گذرد ندارند.

نماینده تهران در مجلس افزود: البته در دور نخست مذاکرات اسلام آباد برخی اعضای کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس مانند حجت الاسلام نبویان در مذاکرات حضور داشتند، اما کلیت نمایندگان در جریان نبوده و نیستند چون مجلس تعطیل است و تیم مذاکره کننده هم نمی تواند بیاید و گزارش دهد.

یادداشت

**استناد به منابع آگاه نشانه
مسئولیت نایذیری است**

امیرحسین قاضی زاده هاشمی
معاون شهید رئیسی در دولت سیزدهم

دوگانه‌ای در میان تریبون داران معتقد به نظام جمهوری اسلامی پیش آمده است. عده‌ای بدنبال روشن شدن جزئیات مذاکرات تیم مذاکره کننده و گزارش مرتب موضوع به افکار عمومی هستند. همانند آنچه در دوره نبرد نظامی توسط سخنگوهای رسمی یگان‌های عمل کننده انجام می شد. گروه دوم با تکیه بر این نکات که در ایام نبرد همه اخبار و اقدامات قابل انتشار نیست، اصل مذاکره بر معامله بنا شده است، جاهایی نیاز به عقب نشینی وجود دارد، این معامله و دستاورد کلی آن، باید در نهایت دیده شود و اینکه این مذاکرات نهایتاً در شورای عالی امنیت ملی جمع بندی می شود و به سمع و نظر امام خامنه‌ای می رسد، می گویند باید به تیم مذاکره کننده اعتماد کرد و از آن‌ها حمایت نمود. لذا انتظار اطلاع رسانی کلی از سربازان دیپلماسی دارند و بس. هر کدام از این روایات همانکات درست و قابل تاملی دارند منت‌ها هر دو گروه به نکاتی توجه لازم را ندارند.

۱. دشمن در این ایام با عملیات روانی شدید، در دست گرفتن روایت اول (چک اول)، تهدید و تمطیع بعنوان قدرت بالاتر (نه بازنده) از طرفی و از طرف دیگر کنش منفعلانه و تاثیرپذیری ما از این کنشگری دشمن، موجب دامن زدن به بهم ریختگی فضای روایت شده و این بار را مشخص رئیس جمهور آمریکا بدوش می کشد. آنان ها با ترور خیانت آمیز شهید لایجانی، میدان پیاسخوگویی ایران را خالی کردند. برای مدیریت روایت اول در حوزه آقندی و هم پدافندی در داخل و خارج از کشور، ضرورت تشکیل قرارگاه عملیاتی در اسرع وقت احساس می شود.

۲. در حالیکه در اردوگاه دشمن اشخاص با اسم و رسم مشخص اظهار نظر می کنند، اما در جبهه خودی اخبار بعضاً بدون ذکر منبع مشخص ذکر می شود (تحت عنوان منبع آگاه) و این نشانه عدم مسئولیت پذیری در تصمیمات تلقی می شود و در شبکه های رسمی اطلاع رسانی بجای آنکه مقام های مسئول به توضیح اقدامات بپردازند، توضیحات توسط مجری ها و میهمانان (که طبیعتاً اطلاع کافی از دلایل تصمیمات ندارند) ارائه می شود. آنهم با اختلاف در برداشت، نظر و تحلیل.

۳. عدم توجه به این نکته که افکار عمومی ایران نسبت به مذاکرات سیاسی (چه قبل و چه بعد از انقلاب) منفی است. چرا که تقریباً هیچ خاطره مثبتی از مذاکرات و مذاکره کنندگان آن بجا نمانده است و همچنین نتایج در راستای منافع ملی ایران حاصل نشده است. (ضمناً پیش بینی جمعی افکار عمومی مملّت ایران در مورد مذاکرات پیش رو با آمریکایی‌ها بخصوص ترامپ هم بسیار منفی است.)

۴. عدم توجه به دادگار بودن مردم کف خیابان و این احساس عمومی که امام شهید بار پاسداری از اسلام، انقلاب و ایران را به مردم سپرده است و امام جامعه هم بر آن صحنه گذاشته و امت مبعوث شده خود را محقق دانستن، تصمیم گیری و اعمال تصمیمات شان می دانند. لذا اگر واقعا جبهه داخلی (افکار عمومی و کنش های اجتماعی از طریق اقدامات اقناعی و جماعی) مدیریت نشود، به سایر جبهه ها صدمه جدی خواهد زد.

عدد خبر

۱۳۰

د بیر ۱ نجمن شرکت‌های هواپیمایی شایعات مبنی بر آسیب دیدن ۴۰ تا ۶۰ فروند هواپیما را تکذیب کرد و با اعلام اینکه حداکثر حدود ۲۰ فروند دچار آسیب جدی شده‌اند، تأکید کرد؛ ۹۵ درصد زیرساخت‌های فرودگاهی کشور سالم و عملیاتی هستند. مقصود اسعدی سامانی با بیان اینکه از مجموع ناوگان هوایی کشور که بین ۲۵۰ تا ۳۰۰ فروند برآورد می‌شود، پیش از این حدود ۱۵۰ فروند فعال بودند و مابقی به دلیل نقص فنی زمین‌گیر بودند، افزود: با کسر تعداد هواپیماهای آسیب‌دیده، در حال حاضر حدود ۱۳۰ هواپیمای فعال در دسترس است. او تأکید کرد که با توجه به اولویت پایین تقاضای گردشگری در شرایط فعلی، کمبود ناوگان در کوتاه‌مدت وجود ندارد.

عدد خبر

۸۰

بیش از ۶۵ درصد واردات کالاهای اساسی ایران از جمله گندم، جو، ذرت دامی و روغن‌ها، به تنگه هرمز وابسته است، در حالی که ظرفیت تأمین ۸۰ درصد این نیازها از مسیرهای خشکی و آبی شمال، شرق و غرب وجود دارد. کریم نائینی، کارشناس حمل‌ونقل، این وابستگی را «ناهماهنگ با اقتصاد مقاومتی» خواند و تأکید کرد: نیروهای مسلح نباید نگران امنیت غذایی مردم باشند؛ یعنی تأمین کالاهای اساسی باید از مسیرهایی انجام شود که در دسترس مستقیم دشمن نیست. ایران سالانه حدود ۷۵ میلیون تن کالای اساسی وارد می‌کند که ۶۵ تا ۷۰ درصد آن از طریق بنادر جنوبی عبور می‌کند. در حالی که ۷۵ درصد مرزهای کشور با ۹ کشور همسایه کاملاً مستقل از تنگه هرمز هستند.

عدد خبر

۵۰۴

هزار میلیارد تومان رئیس بنیاد ملی گندمکاران با بیان اینکه ۵۰۴ همت اعتبار برای خرید تضمینی گندم در نظر گرفته شده است، گفت: این میزان اعتبار ۵۰۱۰ میلیون تن خرید را پوشش خواهیم داد و انتظار می‌رود که حداکثر یک هفته تا ۱۰ روز پس از تحویل بهای گندم خریداری شده پرداخت شود. عطاالله هاشمی وضعیت مزارع گندم را مطلوب ارزیابی کرد و افزود: برداشت گندم از جنوب استان کرمان و بخشی از خوزستان آغاز شده و پیش‌بینی می‌شود که امسال در تأمین گندم به خودکفایی برسیم. او بیان کرد: در ارتباط با تأمین کود، قرار شد تولید پتروشیمی‌ها که در جنگ دچار آسیب نشدند، به بخش کشاورزی بدهند و نگرانی در این خصوص وجود ندارد.

عدد خبر

۵۹

بنا بر آخرین آمارها، حجم پرشدگی مخازن سدهای کشور به ۵۹ درصد رسیده است. میزان ورودی آب مخازن کل کشور از ابتدای سال آبی جاری (اول مهر ۱۴۰۴) تا ۲۹ فروردین معادل ۲۷۰۹۸ میلیارد مترمکعب است که در مقایسه با سال گذشته که عدد ۱۸۰۳۰۰ میلیارد مترمکعب بود، با افزایش ۵۳ درصدی همراه شده است. میزان کل خروجی سدها هم از ابتدای سال آبی تا ۲۹ فروردین ۱۶۰۱۲ میلیارد مترمکعب ثبت شده که نسبت به سال گذشته تغییری نداشته است. حجم آب موجود مخازن سدها براساس برآمار در حال حاضر ۳۰۵۵۵ میلیارد مترمکعب است. سال گذشته در زمان مشابه حجم آب موجود مخازن ۲۶۰۷۷ میلیارد مترمکعب بود که نشان از افزایش ۱۴ درصدی می‌دهد.

پس از بسته شدن تنگه هرمز و تشدید بحران عرضه رخ داد؛

بازگشت شوک به بازار نفت با حذف ۵۷۰ میلیون بشکه

بازار انرژی هفته جدید میلادی را در شرایطی آغاز کرد که تحولات خلیج فارس، به‌ویژه در تنگه هرمز، بار دیگر نفت را در مسیر صعودی قرار داده است. با این حال طبق آمار ناوبری کشتی‌ها، تنگه هرمز با عدم پایبندی آمریکا به مفاد آتش‌بس و بدعهدی، به طور کامل توسط ایران بسته شده و در صورت تشدید تنش‌ها قیمت نفت بار دیگر ۳ رقمی خواهد شد.

تشدید جنگ ایران در منطقه است. بر این اساس، عبور نفت از این تنگه استراتژیک از بیش از ۲۰ میلیون بشکه در روز در ماه فوریه، به کمتر از ۴ میلیون بشکه در روز در اوایل آوریل سقوط کرده است. مجموع کاهش صادرات نفت کشورهای منطقه نیز از مرز ۱۳ میلیون بشکه در روز عبور کرده که معادل اختلال در تولید بیش از ۱۲ درصد از مصرف روزانه جهان است.

ران روسو تحلیلگر رویترز در یادداشتی نوشت: رفت و آمد مقطعی کشتی‌ها در تنگه هرمز نشان از ابهام عمیقی دارد که بر مهم‌ترین گلوگاه جهانی نفت و گاز سایه افکنده است. اما یک چیز روشن است؛ حتی اگر جنگ متوقف شود، بازگشت جریان نفت و گاز از این گذرگاه باریک، ماه‌ها و شاید سال‌ها زمان خواهد برد تا به سطح پیش از جنگ برسد.

هشدار قالیاف به بازار نفت

محمد باقر قالیاف رئیس مجلس شورای اسلامی نیز در ادامه تئوریت‌های خود که با هدف هشدار به فعالان بازارهای مالی برای پرهیز از تحت‌تأثیر قرار گرفتن توسط کاغذبازی‌های دولتمردان آمریکا نوشته شده‌اند، نوشت: هم قیمت نفت دیجیتال (کاغذی) براساس جو بازار تعیین می‌شود و هم اوراق قرضه، و هر دوی آنها خانه‌های پوشالی هستند که نمی‌توان به آنها اعتماد کرد. معیار اصلی، قیمت نفت فیزیکی یعنی همان قیمتی است که نفت واقعاً خرید و فروش می‌شود و براساس معاملات واقعی بازار تعیین می‌شود، با این تفاوت که در مورد نفت حداقل شاخصی با عنوان قیمت نفت فیزیکی وجود دارد که میزان دستکاری شدن قیمت نفت دیجیتال را مشخص کند اما در مورد اوراق قرضه چنین نیست و همه چیز فقط بر خانه‌ای پوشالی بنا شده است.

داده‌های کپلر، حدود ۲۶۰ نفتکش اکنون در خلیج فارس گرفتار شده‌اند که ۱۷۰ میلیون بشکه نفت و ۱۰۲ میلیون تن آلان جی حمل می‌کنند. روزنامه کوپرسی لتر نیز براساس داده‌های ماهواره‌ای گزارش داد: روز یکشنبه هیچ نفتکشی از تنگه هرمز عبور نکرده و این تنگه برای نخستین بار در تاریخ به طور کامل بسته شده است. در همین حال کارشناسان بر این باورند محدودیت تردد در تنگه هرمز، روند صعودی قیمت نفت را مجدداً فعال کرده است.

حذف ۵۷۰ میلیون بشکه از بازار نفت براساس داده‌های تحلیلی مؤسسه کپلر، تنش‌های اخیر در خاورمیانه بازار جهانی انرژی را با بحرانی بی‌سابقه روبرو کرده و پیش‌بینی می‌شود تا پایان آوریل ۲۰۲۶، مجموع اختلال در عرضه نفت به رقم تکان‌دهنده ۵۷۰ میلیون بشکه برسد. این روند، نشان‌دهنده فلج شدن صادرات منطقه و تهدیدی جدی برای امنیت انرژی جهان است که می‌تواند قیمت‌های جهانی را به سطوحی پیش‌بینی‌ناپذیر سوق دهد. سلطان الجابر، مدیرعامل شرکت ملی نفت ابوظبی هم گفت: پس از ۵۰ روز، تولید تقریباً ۶۰۰ میلیون بشکه نفت از دست رفته است.

نشریه فوربس نیز نوشت: ذخایر جهانی نفت در ماه جاری میلادی با کاهش ۴۵ میلیون بشکه‌ای همراه بوده است. همچنین از اواخر ماه مارس تاکنون، روزانه حدود ۱۲ میلیون بشکه از تولید نفت جهان دچار اختلال شده است. علت اصلی این بحران، توقف عملی تردد نفتکش‌ها در تنگه هرمز به دلیل



محسن نظری

روزنامه‌نگار

روز دیروز (۳۱ فروردین ۱۴۰۵) تا لحظه تنظیم این گزارش، بهای نفت برنت با بیش از ۵ درصد افزایش به حدود ۹۵ دلار در هر بشکه رسید و نفت خام آمریکا نیز به نزدیکی ۸۹ دلار صعود کرد. این جهش در حالی رخ داد که روز جمعه گذشته، بازار در پی اعلام بازگشایی موقت تنگه هرمز توسط ایران بیش از ۹ درصد سقوط کرده بود.

همچنین توقیف یک کشتی کانتری ایرانی با نام «توسکا» توسط نیروی دریایی آمریکا بار دیگر تنش‌ها را شعله‌ور کرد؛ اقدامی «دزدی دریایی» محسوب می‌شود. هر چند نیروهای مسلح کشورمان اعلام کردند به این اقدام پاسخ خواهند داد. این وضعیت در حالی است که مقامات کشورمان اعلام کرده‌اند تا زمانی که «محاصره دریایی» از سوی آمریکا، متوقف نشود، عبور و مرور از تنگه هرمز با محدودیت جدی همراه خواهد بود. براساس



جهش ۱۱ درصدی قیمت گاز در یک روز

بلومبرگ، قیمت شاخص گاز در اروپا در معاملات دیروز در آسیا تا ۱۱ درصد افزایش یافت و به ۴۳ یورو در هر مگاوات ساعت رسید؛ چراکه ایران بار دیگر تنگه هرمز را بست و نگرانی در مورد ادامه توقف جریان انرژی از خلیج فارس دوباره شدت گرفت. پیش از آغاز جنگ ائتلاف آمریکایی-صهیونی علیه ایران، قیمت گاز در اروپا ۳۲ یورو بود که در میانه جنگ به ۷۰ یورو هم رسید.

گزارش کوتاه

لرزش ستون دلار پس از جنگ رمضان

پترودلار به عنوان یکی از مهم‌ترین ستون‌های سلطه دلار در ۵۰ سال گذشته نقشی تعیین‌کننده در تثبیت جایگاه و سلطه این ارز در اقتصاد جهانی ایفا کرده و مزایای مهمی برای اقتصاد آمریکا به همراه داشت. با این حال، تحولات ژئوپلیتیک، تغییر الگوهای تجارت انرژی و ظهور قدرت‌های اقتصادی جدید نشانه‌هایی از فرسایش تدریجی این سازوکار را آشکار کرده است. افزایش معاملات نفتی با ارزهای غیردلاری، به‌ویژه در تعاملات میان اقتصادهای نوظهور، و تلاش کشورهای مانند چین و روسیه برای متنوع‌سازی ذخایر ارزی از جمله عواملی هستند که فشار بر نظام پترودلار را افزایش داده‌اند. رویترز در گزارشی نوشت: چین با همکاری کشورهای حاشیه خلیج فارس گام‌هایی برای جایگزینی پترویوان به جای پترودلار برداشته است. این تحول در شرایطی مطرح شده که برخی تحلیلگران معتقدند تحولات منطقه، به‌ویژه جنگ اخیر با ایران، روند کاهش وابستگی به دلار در تجارت نفت را تسریع کرده است. روزنامه فایننشال تایمز نیز در تحلیلی اعلام کرد که این تحولات می‌تواند سنگ بنای نظام پترودلار را تحت فشار قرار دهد.

در همین راستا چین و امارات برای گسترش تسویه حساب‌های مالی با پول‌های محلی، از جمله یوان و درهم، در معاملات انرژی توافق کرده‌اند. همچنین برخی شرکت‌های پالایش نفت هند برای تسویه محموله‌های نفت ایران که تحت معافیت تحریم‌های آمریکا خریداری شده‌اند، از یوان چین استفاده کرده‌اند.

با این حال سهم یوان از کل تسویه‌های تجارت نفت جهان در ماه مارس ۲۰۲۶ به بیش از ۱۴ درصد رسیده و این ارز پس از دلار در جایگاه دوم قرار گرفته است. کارشناسان این روند را نتیجه پذیرش تدریجی یوان در میان صادرکنندگان بزرگ نفت می‌دانند.

حالا براساس گزارش روزنامه وال استریت ژورنال، امارات متحده عربی که در پی حملات مشترک آمریکا و اسرائیل علیه ایران، دچار آسیب به زیرساخت‌های نفتی و اختلال در ترافیک تنگه هرمز شده، درخواست یک خط اعتباری مالی از آمریکا را مطرح کرده است. امارات با اشاره به اینکه ممکن است به حمایت مالی فوری از طرف آمریکا نیاز داشته باشند، به آمریکا اعلام کرد که اگر دلار کافی برای این کشور تأمین نشود، مجبور خواهد شد نفت خود را به یوان یا ارزهای دیگر بفروشد و معاملات خود را با ارزهای دیگر غیر از دلار انجام دهد. این تهدید ضمنی که از سوی یک متحد آمریکا مطرح می‌شود در صورت عملی شدن می‌تواند به جایگاه دلار در اقتصاد نفتی جهان ضربه بزند.

بحران انرژی زیر سایه جنگ؛

جهش ۳۴ درصدی قیمت بنزین در آمریکا

تجاوز آمریکایی- صهیونیستی به خاک کشورمان تبعات بسیار زیادی برای اقتصاد جهان، به خصوص اقتصاد آمریکا، به همراه داشته و بازارها را متلاطم کرده است. افزایش قیمت بنزین در آمریکا به دلیل جنگ ایران

رخ داده، البته این نکته مهم است که بدانیم افزایش هزینه سوخت در کل اقتصاد موج ایجاد می کند و به کسب و کارهایی که برای حمل و نقل یا عملیات خود به سوخت وابسته اند ضربه می زند.



نیماسهیلی
روزنامه نگار

خبر از کاهش قیمت بنزین تا سال آینده نیست

حالا کریس رایت، وزیر انرژی آمریکا، در مصاحبه با سی ان ان اذعان کرد: قیمت بنزین ممکن است تا سال آینده میلادی (۲۰۲۷) بالا باقی بماند و به زیر ۳ دلار در هر گالون نرسد. رایت در پاسخ به سؤالی درباره زمان بازگشت قیمت بنزین به محدوده قبل از جنگ با ایران گفت: «نمی دانم. این اتفاق ممکن است اواخر امسال بیفتد یا شاید تا سال آینده رخ ندهد.» او در عین حال ابراز اطمینان کرد که قیمت ها احتمالاً به اوج خود رسیده اند و با حل درگیری، روند نزولی آغاز خواهد شد. وزیر انرژی آمریکا افزایش قیمت ها را مستقیماً به بسته شدن تنگه هرمز و اختلال در جریان انرژی جهانی مرتبط دانست. این اظهارات نشان دهنده تغییر موضع محسوس رایت نسبت به گفته های قبلی اوست. وی در تاریخ ۸ مارس (حدود ۶ هفته پیش) گفته بود: «در بدترین حالت، افزایش قیمت ها مسئله چند هفته است، نه چند ماه.» این در حالی است که اسکات بسنت، وزیر خزانه داری آمریکا، هفته گذشته پیش بینی کرده بود که قیمت بنزین تا تابستان ۲۰۲۶ به ۳ دلار کاهش می یابد.

ناراضی دوسوم مردم آمریکا

با آغاز جنگ علیه ایران، قرار بر افزایش قیمت ها در آمریکا نبود، اما این اتفاق افتاد. افزایش تورم سالانه به ۳.۳ درصد، یعنی سرعت افزایش ۳۷.۵ درصد سالانه نسبت به ماه گذشته، بسیار قابل توجه است. در واقع

اعتراف تلخ اقتصاددان آمریکایی

استیو هانکه، اقتصاددان آمریکایی هشدار داد که اقتصاد آمریکا با فشارهای فزاینده ای مواجه شده و در نتیجه بحران نفتی و تنش های ژئوپلیتیکی، در وضعیت دشواری قرار گرفته است.

اکنون شرایطی به وجود آمده که آمریکا عملاً درگیر تنش با ایران شده و تهدیدات علیه تنگه هرمز نیز به بحران دامن زده است؛ موضوعی که به شکل گیری یک بحران بزرگ نفتی انجامیده است. مشکل اصلی

اقتصادهای بزرگ، از جمله آمریکا، محدود بودن فضای مانور است؛ چرا که این کشورها با کسری بودجه های سنگین و بدهی های انباشته مواجه اند و همین مسئله توان واکنش آن ها به بحران های جدید را کاهش

داده است. در چنین شرایطی اقتصادهای بزرگ در موقعیتی گرفتار شده اند که ابزارهای لازم برای مدیریت شوک های جدید را به سختی در اختیار دارند.

یادداشت

افزایش اعتبار کالا برگ؛ وعده ای که باید محقق شود

محسن زنگنه
عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس

دولت از نیمه دی ماه سال گذشته با حذف ارز ترجیحی ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومانی، طرح کالا برگ الکترونیکی را برای هریارانی با اعتبار ماهانه یک میلیون تومان اجرایی کرد. طی این مدت، با اجرای سیاست تک نرخی شدن ارز و افزایش نرخ آن، قیمت کالاهای اساسی نیز افزایش پیدا کرده است. همان طور که در سطح جامعه می بینیم، اگرچه در این مدت شاهد وفور کالاها بودیم، اما ثبات قیمت ها حفظ نشد و برخی کالاها با افزایش قیمت مواجه شدند. اکنون دولت اعلام کرد که در حال بررسی افزایش رقم کالا برگ است و پس از انجام بررسی ها، اطلاعات آن اعلام خواهد شد. دولت قول داده بود که در صورت افزایش قیمت کالاها، میزان پرداختی در قالب کالا برگ را نیز افزایش دهد. البته منابع کالا برگ در بودجه امسال حدود ۹۶۰ هزار میلیارد تومان دیده شده است؛ اما در پاسخ به این دغدغه باید گفت که منابع طرح کالا برگ از چند محل در بودجه پیش بینی شده است. یکی از این منابع، مازاد درآمدهای حاصل از افزایش قیمت ارز است. پس از آنکه دولت تصمیم گرفت به سمت بازار تک نرخی حرکت کند که منبغی از محل این ایجاد و مازاد آن در بودجه احصا شد که بخش عمده ای از آن به کالا برگ یک میلیون تومانی خانوارها اختصاص می یابد.

علاوه بر این، با توجه به افزایش قیمت جهانی نفت، در بودجه این تدبیر اندیشیده شد که مازاد درآمدهای نفتی به یک ردیف مشخص واریز شود. هدف این بود که دولت بتواند بخشی از این منابع را صرف معیشت مردم و بخش دیگری را در حوزه های زیربنایی هزینه کند. بنابراین، از لحاظ بودجه ای دست دولت برای افزایش مبلغ کالا برگ با زاست و در این زمینه مشکلی ندارد. خوشبختانه درآمدهای نفتی کشور در ماه اول سال جدید، چه از منظر میزان وصول درآمدها و چه از نظر حجم فروش، وضعیت مطلوبی داشته است. قیمت نفت نیز افزایش قابل توجهی را تجربه کرده و نفت ایران حتی بالاتر از قیمت نفت برنت به فروش رسیده است. به همین دلیل، هیچ مشکلی در تأمین منابع طرح های حمایتی نداریم.

البته با کسری بودجه مواجه هستیم؛ زیرا درآمدهای مالیاتی و فروش اوراق، به دلیل مشکلاتی که برای بخش تولید به وجود آمده، محقق نشده است. اما نکته مهم این است که منابع اختصاص یافته به اقدام حمایتی دولت (کالا برگ)، با تدابیر اندیشیده شده در قانون بودجه، مجزا از سایر بخش هاست و این کسری کلی، خللی در آن ایجاد نمی کند.

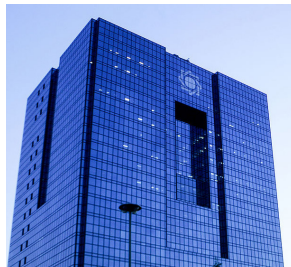
در شرایط فعلی، افزایش مبلغ کالا برگ یک انتظار کاملاً به حق از سوی مردم است. با توجه به تورم موجود در جامعه و مشکلاتی که بخشی از مردم از نظر درآمد و حقوق با آن روبه رو هستند، این انتظار از دولت می رود که مبلغ کالا برگ را افزایش دهد که در شرایط کنونی یک سیاست کاملاً درست است؛ سیاستی که هم در راستای حمایت از مردم در شرایط جنگ اقتصادی است و هم هیچ گونه منافاتی با قانون بودجه ندارد.

خبر

بانک مرکزی: جریمه دیرکرد بازپرداخت وام ها باید بخشیده شود

معاون بانک مرکزی بر تسریع در واگذاری اموال مازاد بانک ها به ویژه بانک هایی که کفایت سرمایه آنها زیر ۸ درصد است، تاکید کرد و گفت: بانک ها باید توجه ویژه ای به بخشش وجه التزام تأخیر تادیه دین برای تسهیلات زیر ۷۰۰ میلیون تومان داشته باشند. عباس مرادپور در نشست با مدیران عامل شبکه بانکی با تاکید بر اجرایی شدن بخشنامه های ابلاغی بانک مرکزی، گفت: بانک ها توجه ویژه ای به بخشنامه بانک مرکزی در خصوص بخشش وجه التزام تأخیر تادیه دین برای تسهیلات زیر ۷۰۰ میلیون تومان داشته باشند. او در خصوص کنترل مقداری ترازنامه بانک ها، تصریح کرد: در این زمینه نباید هیچ گونه تخطی صورت گیرد و در صورت تخطی به همان میزان، سپرده قانونی از آنها اخذ می شود.

مرادپور در تشریح آثار و تبعات جنگ در حوزه نظام بانکی کشور، بیان کرد: بعضی از بانک ها جزو سهامداران پتروشیمی ها و فولادی ها بودند که ممکن است ارزش سهام آنها کاهش پیدا کرده باشد. همچنین ممکن است بازپرداخت تسهیلاتی که به این صنایع اختصاص داده شده باشد با مشکل مواجه شود. علاوه بر این، نقدینه خواهی واحدهای آسیب دیده نیز بیشتر خواهد شد که ممکن است هر یک از این موارد آثار و تبعاتی در آینده متوجه شبکه بانکی کشور کند که لازم است بانک ها ضمن حمایت از این صنایع، تدابیر لازم به منظور حفظ ثبات و سلامت نظام بانکی را به کار گیرند.



بین الملل

لاوروف: بحران در خلیج فارس نتیجه تجاوز بی دلیل به ایران است

«سرگئی لاوروف»، وزیر امور خارجه روسیه دوشنبه در یک سخنرانی در جریان نشست مجمع پارلمانی سازمان پیمان امنیت مشترک بیان داشت: امروز یک نگرانی بسیار جدی است و زنگ خطر گسترش پیامدهای بحران به اطراف خلیج فارس برای کشورهای شبه جزیره عربستان، کشورهای ساحلی دریای خزر، قفقاز جنوبی و آسیای مرکزی نیز به صدا درآمده است. وزیر امور خارجه روسیه تأکید کرد: بحران در خلیج فارس در نتیجه تجاوز بی دلیل ایالات متحده و اسرائیل به جمهوری اسلامی ایران شکل گرفته و پیامدهای آن در حال گسترش به کل منطقه است.

او همچنین درباره اوضاع در خاورمیانه و فلسطین تصریح کرد شانس تشکیل کشور مستقل فلسطین در مواجهه با سیاست‌های اعمال شده از سوی رژیم صهیونیستی رو به کاهش است. شانس تشکیل کشور مستقل فلسطین هر چه کمتر می‌شود.

لاوروف گفت: «ما بیانیه‌های اسرائیل را می‌شنویم مبنی بر اینکه هرگز چنین کشوری تشکیل نخواهد شد و تنها اسرائیل است که مرزهای خود را گسترده‌تر خواهد کرد و موجودیت خواهد داشت.»



اظهارات متناقض اطرافیان و معاونان ترامپ قبل و پس از قدرت

راهنما به چپ؛ گردش به راست

در سیاست آمریکا، فاصله میان دیروز و امروز گاه تنها به اندازه یک تغییر در موازنه قدرت است. چهره‌هایی که روزگاری با تندترین عبارات ترامپ را نفی می‌کردند، امروز در صف مدافعان او ایستاده‌اند و همان رفتارهایی را توجیه می‌کنند که پیش‌تر به شدت به آن می‌تاختند. این چرخش‌های معنادار، بیش از هر چیز از واقعیتی پرده برمی‌دارد که در آن، مصلحت سیاسی بر اصول اعلامی سایه انداخته است.

با تغییر شرایط، لحن او نیز تغییر کرد و به جای تقابل، رویکردی همراهانه در پیش گرفت و حتی خواستار ایجاد مانع در برابر ترامپ نشد.

از سوی دیگر، پیت هگست، وزیر جنگ او که امروز در زمره چهره‌های نزدیک به ترامپ قرار گرفته، پیش‌تر رفتارهای او را «پرسرو صدا و فاقد محتوای جدی» توصیف کرده بود. اما همین فرد بعدها از ترامپ به عنوان شخصیتی «تاریخ‌ساز» یاد کرد؛ تغییری که نشان دهنده دگرگونی عمیق در موضع‌گیری‌هاست.

این مجموعه از تغییر مواضع، تصویری گویا از واقعیت‌های سیاست در آمریکا ارائه می‌دهد. در فضایی که قدرت و نزدیکی به آن نقش تعیین‌کننده‌ای در آینده سیاسی افراد دارد، بسیاری از چهره‌ها ترجیح می‌دهند مواضع گذشته خود را تعدیل یا حتی نادیده بگیرند.

آنچه پیش‌تر به عنوان انتقادهای جدی مطرح می‌شد، در شرایط جدید جای خود را به سکوت یا حمایت داده است. در نهایت، این تحولات را می‌توان نشانه‌ای از اولویت یافتن ملاحظات سیاسی و شخصی بر اصول اعلام‌شده دانست. افرادی که زمانی با صراحت در برابر ترامپ ایستاده بودند، امروز در کنار او قرار گرفته‌اند و حتی اقدامات او را توجیه می‌کنند. این تغییر مسیر، نه تنها بیانگر واقعیت‌های ناشایست و پلشت در ساختار سیاسی آمریکاست.

بگویید به جهنم برود. این موضع‌گیری صریح، نشان‌دهنده عمق مخالفت او با فردی بود که امروز از او به عنوان یک رئیس‌جمهور تعیین‌کننده یاد می‌کند. با گذشت زمان و تغییر معادلات قدرت، همین سناتور به یکی از مدافعان جدی ترامپ تبدیل شد و حتی در مقاطعی از عملکرد او با تعابیری مثبت یاد کرد.

نمونه دیگر این چرخش، جی دی ونس، معاون فعلی ترامپ است. او پیش از ورود جدی به عرصه سیاست ملی و پیش از هم‌راستایی با ترامپ، بارها اعلام کرده بود که هرگز با ترامپ همراه نخواهد شد و اساساً نگاه مثبتی به او ندارد. با این حال، در جریان انتخابات ۲۰۲۴، نه تنها از ترامپ حمایت کرد، بلکه رأی دادن به او را توصیه نمود. این تغییر موضع، پرسش‌های جدی درباره انگیزه‌های سیاسی و ملاحظات پشت پرده چنین چرخش‌هایی ایجاد می‌کند.

در همین چارچوب، مارکو روبریو نیز از جمله افرادی است که مواضع گذشته‌اش در تضاد آشکار با رفتار کنونی او قرار دارد. روبریو در گذشته ترامپ را «کلاهبردار» خوانده و تأکید کرده بود که نباید اجازه داد چنین فردی به قدرت برسد. اما در ادامه و

احسان میرباقری
روزنامه‌نگار

گزارش پیش‌رو نگاهی دارد به یکی از پدیده‌های قابل تأمل در سیاست معاصر آمریکا؛ چرخش‌های آشکار و بعضاً حیرت‌انگیز چهره‌هایی که امروز در کنار دونالد ترامپ قرار گرفته‌اند، اما در گذشته‌ای نه چندان دور از منتقدان سرسخت او به شمار می‌رفتند.

در جریان رقابت‌های انتخاباتی سال ۲۰۱۶، بسیاری از چهره‌های حزب جمهوری خواه نه تنها از ترامپ حمایت نمی‌کردند، بلکه با ادبیاتی تند و صریح او را زیر سؤال می‌بردند. یکی از شاخص‌ترین این افراد، لیندسی گراهام بود. او در آن زمان در مصاحبه‌ای جنجالی گفته بود: «اگر می‌خواهید آمریکا را دوباره باشکوه کنید، به ترامپ

منفعت‌طلبی در خون آمریکایی‌ها

تغییر مواضع معاونان ترامپ، تصویری گویا از واقعیت‌های سیاست در آمریکا ارائه می‌دهد. در فضایی که قدرت و نزدیکی به آن نقش تعیین‌کننده‌ای در آینده سیاسی افراد دارد، بسیاری از چهره‌ها ترجیح می‌دهند مواضع گذشته خود را تعدیل یا حتی نادیده بگیرند. آنچه پیش‌تر به عنوان انتقادهای جدی مطرح می‌شد، در شرایط جدید جای خود را به سکوت یا حمایت داده است.

یادداشت

ایران، مانع بزرگ آمریکا در چپاولگری

محسن پوردادفر
روزنامه‌نگار

در بررسی ابعاد و انگیزه‌های پشت پرده هرگونه اقدام خصمانه آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران، نمی‌توان از کنار ماهیت مستکبرانه و زیاده‌خواهانه سیاست‌های ترامپ به‌سادگی عبور کرد. این رویکرد نه تنها ریشه در خوی استعماری نظام سلطه دارد، بلکه به‌طور خاص بر دو محور کلیدی «انرژی» و «موقعیت ژئوپلیتیکی ایران» متمرکز است؛ دو مؤلفه‌ای که ایران را به یکی از مهم‌ترین بازیگران معادلات جهانی تبدیل کرده‌اند.

در حوزه انرژی، ایران با در اختیار داشتن ذخایر عظیم نفت و گاز، همواره هدف طمع قدرت‌های سلطه‌گرفته است. اظهارات صریح ترامپ مبنی بر اینکه «نفت ایران را می‌خواهم» به خوبی نشان می‌دهد که ادعاهای در خصوص اورانیوم‌ها، حقوق بشر یا امنیت، صرفاً پوششی برای اهداف واقعی یعنی چپاول منابع طبیعی ملت‌هاست. این رویکرد را می‌توان با اقدامات مشابه وی در دیگر نقاط جهان تطبیق داد. نمونه بارز آن، سیاست‌های آمریکا در قبال ونزوئلا است؛ جایی که فشارهای گسترده علیه دولت نیکلاس مادورو و تلاش برای بی‌ثبات‌سازی این کشور، در نهایت با هدف تسلط بر منابع نفتی آن صورت گرفت. ادعای مقابله با مواد مخدر یا حمایت از دموکراسی، در این میان صرفاً بهانه‌ای بیش نبود.

از سوی دیگر، نفوذ گسترده آمریکا در کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس، به‌ویژه از طریق وابستگی‌های امنیتی و اقتصادی، عملاً کنترل بخش قابل توجهی از منابع نفتی این منطقه را در اختیار واشنگتن قرار داده است. با این حال، ایران به عنوان کشوری مستقل و دارای حاکمیت ملی، خارج از این دایره نفوذ قرار دارد و همین مسئله، آن را به هدفی و سوسه‌برانگیز برای سیاست‌های توسعه‌طلبانه آمریکا تبدیل کرده است.

اما موضوع تنها به نفت ایران محدود نمی‌شود. در سطحی کلان‌تر، می‌توان این اقدامات را در چارچوب تلاش آمریکا برای کنترل بازار جهانی انرژی و نیز مهار قدرتی همچون چین تحلیل کرد. تضعیف ایران به عنوان یکی از تأمین‌کنندگان بالقوه انرژی، می‌تواند فشار مضاعفی بر اقتصاد چین وارد کند و در عین حال، دست آمریکا را برای اعمال نفوذ بیشتر در بازارهای جهانی باز بگذارد.

در کنار این، موقعیت ژئوپلیتیکی ایران نیز اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد. قرار گرفتن ایران در مسیر کریدورهای مهم تجاری، از جمله طرح «کمربند و جاده» چین، جایگاهی بی‌بدیل به این کشور بخشیده است. این کریدورها که از مسیرهای مرکزی و شمالی ایران عبور می‌کنند، نقش حیاتی در اتصال شرق به غرب دارند. از این رو، آمریکا نه تنها در پی محروم‌سازی ایران از این مزیت راهبردی است، بلکه تلاش دارد مسیرهای ارتباطی چین با اروپا را نیز تحت کنترل خود درآورد و از این طریق، برتری خود را در نظم جهانی حفظ کند.

در مجموع، آنچه در ظاهر به عنوان تقابل سیاسی یا امنیتی مطرح می‌شود، در واقع بخشی از یک پروژه بزرگ‌تر برای سلطه بر منابع و مسیرهای حیاتی جهان است؛ پروژه‌ای که ایران، به دلیل استقلال و موقعیت ممتازش، در کانون آن قرار گرفته است.

یادداشت

میناب؛ بدون دادخواهی

امیر شهشهرانی
روزنامه‌نگار

پنجاه روز از آغاز جنگ تحمیلی سوم می‌گذرد؛ پنجاه روز از شهادت رهبر شهید انقلاب و آن جنایت تکان‌دهنده در مدرسه «شجره طیبه» میناب. جنایتی که نه تنها در روایت‌های داخلی، بلکه حتی در برخی گزارش‌های غربی و مراکز وابسته به نهادهای نظامی آمریکا نیز تأیید شد و اصابت آن به موشک تاماهاک ارتش ایالات متحده نسبت داده شد. این یعنی حقیقت، آن قدر عریان بوده که حتی پرده‌پوشی رسانه‌ای غرب نیز نتوانسته آن را پنهان کند.

در این پنجاه روز، جنس دو داغ سنگین جنایت علیه کودکان بی دفاع در میناب و حمله ناجوانمردانه زیردریایی آمریکایی به ناوچه «دنا» درحالیکه غیرمسلح و پس از یک رزمایش مشترک در هند، در مسیر بازگشت به کشور هدف قرار گرفت دل بسیاری از ایرانیان را از غم مالا مال کرد. این دو واقعه، نه فقط تخطی از قواعد درگیری، بلکه نقض صریح حقوق بشر و حقوق بشردوستانه و مصداق آشکار جنایت جنگی است. اما سؤال اصلی اینجاست که چرا پس از گذشت پنجاه روز، هنوز پیگیری مؤثر و فوری در سطح بین‌المللی صورت نگرفته است؟ چرا دستگاه دیپلماسی، به ویژه نمایندگی ایران در سازمان ملل، نتوانسته یا نخواسته است این جنایات را به یک مطالبه جهانی تبدیل کند؟ در حالی که بحرین، با حمایت غرب، به سرعت در شورای امنیت فعال شده و قطعنامه صادر می‌کند، سکوت و انفعال در قبال خون کودکان میناب و شهدای دنا چگونه توجیه می‌شود؟

مذاکره در میدان مین

در شرایطی که آتش‌بس به جای کاهش تنش، به

سکوبی برای بازآرایی نظامی آمریکا تبدیل شده، هرگونه مذاکره احتمالی بیش از آنکه مسیر دیپلماسی باشد، امتداد همان راهبرد فشار حداکثری است. در چنین میدانی، طرفی دست بالا را دارد که نه به امید توافق، بلکه با تکیه بر بازدارندگی و پاسخ قاطع وارد بازی شود.

در این میان، هرچند چین و روسیه جز یک مورد وتوی قطعنامه فصل هفتم شورای امنیت تحرک جدی دیپلماتیک نشان ندادند، اما این بهانه‌ای برای سکوت نیست. حتی اگر قطعنامه‌ای علیه آمریکا وتو شود، نفس طرح آن می‌تواند صدای مظلومیت میناب را به گوش جهان برساند. دیپلماسی، فقط نتیجه نیست؛ گاه خود فرآیند، میدان افشاگری است.

مردم ایران امروز این پرسش را با صدای بلند مطرح می‌کنند که چرا پیگیری‌های حقوقی علیه تروریسم دولتی آمریکا و رژیم صهیونیستی هیچ‌گاه به سرانجام نمی‌رسد؟ چرا نهادهای مسئول، از وزارت امور خارجه تا ستاد حقوق بشر، کارنامه‌ای قانع‌کننده ارائه نمی‌دهند؟ مطالبه ملت روشن است: این بار نباید خون قربانیان در سکوت دفن شود. در شرایطی که رئیس‌جمهور آمریکا بار دیگر زبان تهدید گشوده، پیگیری فوری، فعال و بی‌وقفه این جنایات یک ضرورت ملی است.

معادله خصومت آمریکا علیه ایران در میان آتش‌بس شکننده و تهدیدهای فزاینده پیچیده‌تر شده است

ابهام در ادامه مذاکرات

می‌شود نه نشانی از عقلانیت، بلکه استمرار همان الگوی آشنای تهدید، قلدری و بازی با لبه جنگ است؛ الگویی که این بار با «اما و اگر»‌های معنادار درباره ادامه مذاکرات همراه شده است.

با نزدیک شدن به ساعات پایانی آتش‌بس موقت دو هفته‌ای، صحنه سیاست نه به سمت آرامش، بلکه به سوی پیچیده‌تر شدن معادلات حرکت کرده است. آنچه از واشنگتن مخابره



محسن فرهمند

روزنامه‌نگار

و جایگزینی آن‌ها با ویتکاف و کوشنر عناصر تندرو و نزدیک به رژیم صهیونیستی، و سپس عقب‌نشینی رسمی کاخ سفید از این موضع، نشان داد که حتی در درون ساختار آمریکایی نیز اجماعی بر سر مسیر پیش‌رو وجود ندارد.

اما مهم‌تر از این بازی‌های رسانه‌ای، واقعیت میدانی است؛ جایی که آتش‌بس نه تنها مانعی برای اقدامات خصمانه آمریکا نشد، بلکه به فرصتی برای تقویت آرایش جنگی این کشور تبدیل شد. موج جدید انتقال تجهیزات نظامی به منطقه و حرکت به سمت محاصره دریایی ایران، به روشنی نشان می‌دهد که مرد دیوانه کاخ سفید همچنان در توهم «تسلیم‌سازی از مسیر تشدید تنش» به سر می‌برد. از سویی دیگر حمله غیرقانونی آمریکا به کشتی باری توسکا نشانه دیگری از این است که آمریکا علاقه‌ای به حل و فصل مسالمت‌آمیز نداشته و فقط زبان زور را می‌فهمد.

در مقابل، ایران نه در موضع انفعال، بلکه در موقعیت آمادگی کامل قرار دارد. اعلام صریح آمادگی برای هرگونه درگیری جدید و واکنش قاطع به محاصره دریایی با طرح بسته تنگ هرمز، پیامی روشن به طرف مقابل مخابره کرده است: دوران امتیازدهی یک‌طرفه به پایان رسیده است. قرارگاه مرکزی خاتم الانبیا نیز بلافاصله پس از حمله آمریکا به کشتی توسکا، از حمله

در واپسین روزهای آتش‌بس، بار دیگر چهره واقعی سیاست آمریکایی خود را نشان داد؛ جایی که ترامپ دیوانه‌ای که سکان کاخ سفید را در دست گرفته و افسار خود و کشور ۳۵۰ میلیونی آمریکا را در اختیار رژیمی ۹ میلیونی و جعلی اسرائیل و همچنین نخست‌وزیر شیطان صفت آن یعنی نتانیا‌هو قرار داده است، بدون هیچ محاسبه‌ای و صرفاً برای ارضای عقده‌های شخصی و جبران شکست ۴۰ روزه، ایران را به نابودی زیرساخت‌ها تهدید می‌کند؛ تهدیدی که صراحتاً مصداق جنایت جنگی است.

در چنین فضایی، کاخ سفید همزمان با تشدید لحن تهدیدآمیز، پروژه‌ای قدیمی را نیز کلید زده است: کشاندن ایران به میز مذاکره‌ای که از پیش نتیجه آن مشخص است. مذاکره‌ای نه برای مصالحه، بلکه برای تحمیل. ترامپ با همان روحیه قلدرمآبانه در تلاش است تا در روزهای آینده ایران را وادار به نشستن پای میزی کند که در آن، آمریکا به دنبال امتیازگیری حداکثری و نه توافقی متوازن است.

در این میان، سردرگمی در تیم مذاکره‌کننده آمریکا نیز خود به نشانه‌ای از آشفتگی در تصمیم‌سازی بدل شده است. اعلام اولیه ترامپ درباره عدم حضور ونس

سیاست خارجی

بولتون: مذاکره‌کنندگان ایران بوی وحشت در کاخ سفید را حس کرده‌اند

«جان بولتون» که در دوره اول ریاست جمهوری ترامپ به عنوان مشاور امنیت ملی خدمت می‌کرد و به عنوان تندرو ترین عضو کابینه اول وی معرفی میشد، گفت که مذاکره‌کنندگان ایرانی احتمالاً می‌توانند «بوی وحشت» را در کاخ سفید حس کنند.

به نوشته دیلی بیست، بولتون در ادامه توضیح داد که مطالب بی‌شمار و دیوانه‌وار ترامپ در شبکه‌های اجتماعی به ایران اجازه داده است تا ببیند که او چقدر دلش می‌خواهد از جنگ خارج شود. وی در ادامه خاطرنشان کرد: «فکر می‌کنم ایرانی‌ها بوی وحشت را در کاخ سفید حس می‌کنند. به نظر من آنها می‌توانند ببینند که ترامپ می‌خواهد از این وضعیت خلاص شود. او تقریباً هر روز این مطالب را منتشر می‌کند و این به ایرانی‌ها اهرم فشار عظیمی می‌دهد.»

بولتون همچنین استدلال کرد که ترامپ با در نظر گرفتن انتخابات میان‌دوره‌ای پیش رو تصمیمات ژئواستراتژیک نمی‌گیرد، بلکه تصمیمات سیاسی داخلی اتخاذ می‌کند.

مشاور سابق امنیت ملی آمریکا در مورد نظرسنجی‌های بسیاری بدی که ترامپ پس از حمله متجاوزانه «بخش بزرگی از این وضعیت تقصیر اوست. او در هفته‌ها و ماه‌های قبل از حمله هیچ تلاشی برای توجیه اهدافش نکرد.»



یادداشت

حالا چه وقت «معین بازی» است؟

ایمان عظیمی روزنامه‌نگار

ما چرا از توثیق یکی از خبرنگاران پُرحاشیه حوزه موسیقی آغاز شد. او نوشت که چهار خواننده مشهور و قدیمی در شرف بازگشت به ایرانند؛ به‌طوریکه هیچ‌گاه شرایط تا برای آمدن‌شان به کشور هیچ‌وقت تا این حد مهیا نبوده است (نقل به مضمون). پس از این توییت بود که برخی از خبرگزاری‌های و روزنامه‌ها به شائبه بازگشت «نصراللهی» به ایران دامن زدند. تا اینجا کار، ایرادی به این ماجرا وارد نیست و هرکس می‌تواند پیش‌بینی خودش را نسبت به آینده بروز دهد، اما کار جایی بیخ پیدایمی کند که اهالی رسانه از سرشگفت‌زدگی با خبر بازگشت احتمالی فلان خواننده یا بهمان سلبریتی آنهم در این شرایط و اوضاع مواجه می‌شوند.

کشور در میانه یک جنگ وجودی است، صدمات زیادی به زیرساخت‌ها وارد شده و هزاران جان عزیز شهید شدند ولی به یک‌باره این خبریا بهتر است بگوییم: «شایعه» بازگشت تعدادی خواننده فراموش‌شده از کشور است که تبدیل به تیترا اصلی تعدادی از رسانه‌ها می‌شود! از سطح که به لایه‌های زیرین ترخبرسُرک بکشیم اوضاع وخیم‌تر هم می‌شود. گویا در ترافیک اخبار مربوط به جنگ رمضان، تلاشی از سوی برخی افراد در جریان است تا به بهانه تکثر، تریبون مفت‌وجانی در اختیار مخالفان نظام قرار دهند.

شاید پرسید که آیا معین هم مگر مخالف است؟ او که در تمام این سال‌ها از اظهارنظر در مورد مسائل جاری مملکت سرباز زده و کاری نکرده است که باعث شود در صف ترامپیست‌ها و توجیه‌گران حمله نظامی قرار بگیرد. اما آن‌ها که از حافظه بلندمدت خوبی برخوردارند می‌دانند که در میانه دفاع مقدس هشت‌ساله او به اجرای برنامه در پایتخت رژیم صهیونی پرداخت و در یک نمونه دیگر، پس از وقایع هجدهم و نوزدهم دی با صراحت به دفاع از پهلوی و شخص «فرح‌دیبا» برخاست! حال ما را چه می‌شود که برای گرفتن یک عکس یادگاری با معین و باقی‌لس‌آنجلسی‌ها از سرو کول یکدیگر بالا می‌رویم.

معین البته با یک پُست اینستاگرامی ضمن آرزوی «ایرانی آزاد» شایعه بازگشتش به وطن را رد کرد، ولی فعل‌وانفعالاتی در پشت پرده در جریان است تا کشور در میانه جنگ به سمت ثرمال شدن پیش برود.

چرا مهدی رسولی و محمود کریمی در بین نامزدهای جایزه هنر انقلاب اسلامی نبودند؟

جای خالی مهدی رسولی!

ارائه دهد. او بی‌آنکه اسیر مصلحت‌سنجی‌های مرسوم یا هراس از واکنش‌های مجازی شود، کار درست را انجام داد و ترجیح داد با همه تفاوت‌ها و انتقاداتش، طرف مردم و ایران و انقلاب بایستد.

در آزمون وطن‌پرستی که بسیاری از چهره‌های هنری و سلبریتی‌ها در آن لغزیدند، محسن چاوشی با دو قطعه «علاج» و «حسبی‌الله» توانست تصویری متفاوت از مسئولیت‌پذیری هنرمندانه



محمد قربانی

روزنامه‌نگار

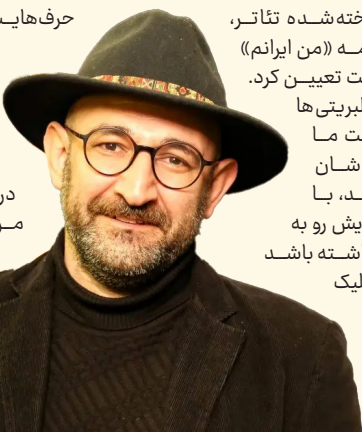
همین رویکرد باعث شد تا نام او به عنوان گزینه اصلی برای عنوان هنرمند سال انقلاب اسلامی مطرح شود. عنوانی که هرچند شایستگی‌اش برای چاوشی محل تردید نبود، اما جای خالی یکی دو نفر در بین نامزدهای جایزه سال هنرمند انقلاب اسلامی حس شد.

موفقیت چاوشی در این مقطع را باید فراتر از یک انتخاب موسیقایی یا انتشار چند قطعه دانست؛ این موفقیت به نوعی ترمیم جایگاه خدشه‌دارشده هنرمند در بزنگاه‌های اجتماعی بود. او با انتشار «علاج» و «حسبی‌الله» نشان داد که می‌توان بدون محاسبات مرسوم و بدون توجه به سود و زیان‌های احتمالی، موضعی روشن اتخاذ کرد. در فضایی که بسیاری از چهره‌ها ترجیح دادند سکوت کنند یا مسیرهای محافظه‌کارانه را در پیش بگیرند و گاه تصمیم گرفتند در کنار دشمن بایستند، این انتخاب معنا و ارزش ویژه‌ای پیدا کرد.

با این حال فهرست نامزدهای هنر انقلاب اسلامی می‌توانست گسترده‌تر باشد و آثار هنری دیگری را نیز دربربگیرد. از جمله آثاری که شایستگی حضور در این فهرست را داشتند، قطعه «بزن که خوب می‌زنی» از مهدی رسولی و «ای ایران» از محمود کریمی بود. این آثار نه تنها از نظر شعر، ملودی و اجرا قابل توجه بودند، بلکه توانستند با مخاطبان گسترده‌ای ارتباط برقرار کنند و بازتابی مردمی داشته باشند. سوگ، حماسه، امید و درهم‌تیدگی ایران و انقلاب اسلامی در این دو اثر برجسته بود و چه رسالتی بالاتر از این برای هنر انقلاب اسلامی؟

حرف‌هایش با اشاره به شهادت رهبر معظم انقلاب،

ایشان را ایرانی‌ترین چهره دویست سال اخیر دانست و بر حقانیت‌شان در طول سال‌ها مبارزه و رهبری نظام صحه گذاشت. این رویکرد را نمی‌توان تنها نتیجه یک شور و شوق آتی دانست، زیرا آقای هاشمی در طول سال‌های اخیر بارها در تجمعات مردم انقلابی حضور داشته و هرجا که فرصتی برایش پیش آمده به دفاع از مواضع انقلابی‌اش پرداخته است. به همین خاطر باید از رویکرد شفاف او دفاع کرد و باقی سلبریتی‌ها را نیز به این سمت سوق داد.



«هدایت هاشمی» بازگیر شناخته‌شده تئاتر، تلویزیون و سینما با حضور در برنامه «من ایرانم» حد و حدود جدیدی برای شرافت تعیین کرد. او برخلاف تعداد زیادی از سلبریتی‌ها و چهره‌های شناخته‌شده مملکت ما که از این و آن می‌ترسند و حرف‌شان را رُک و پوست‌کنده بیان نمی‌کنند، با صراحتی مثال‌زدنی و قابل ستایش رو به دوربین گفت که اگر یک موشک داشته باشد آن را به سمت خائنین به وطن شلیک می‌کند. این اما تنها اظهارنظر او نبود که دل‌باورمندان به ایران اسلامی را خنک کرد. بازگیر «به حبه قند» در بخش دیگری از

یادداشت

عارضه کوتوله‌پروری و عواقب آن!

سعید قاسمی

روزنامه‌نگار

از چوهِ غریب و تأمل‌برانگیز جمهوری اسلامی در عرصه فرهنگ، آن است که هر عنصر کم‌مایه و فاقد قدر و منزلت، به واسطه سیاست‌های همین ساختار و با حداقل استعداد، به یک‌باره به چهره‌ای شناخته‌شده بدل می‌شود و سپس با وقا حتی کم‌نظیر، به نردبانی که از آن صعود کرده لگد می‌زند. اواسط دهه نود بود که برنامه‌های موسوم به «استعدایابی» در ایران رواج یافتند و پدیده‌هایی را به جامعه عرضه کردند که پیش‌تر در فرهنگ عامه «دلک» نامیده می‌شدند، اما به تقلید از غرب، عنوان پرطمطراق «استندآپ کمدین» بر آنان نهاده شد.

این تغییر نام البته صرفاً یک بازی زبانی نبود؛ بلکه تلاشی هوشمندانه برای آرایش و بزرگ‌اندازی‌ترین و سطحی‌ترین اشکال سرگرمی و عرضه آن در ساخت «هنر» بود. حاصل چه بود؟ نسلی از چهره‌های یک‌شبه که نه واجد هنر بودند، نه برخوردار از خرد و عمق، و نه حتی واجد حداقلی از فهم نسبت به مسئولیتی که با دیده‌شدن به دست می‌آید. همان‌ها که با حمایت مستقیم یا غیرمستقیم همین ساختار به چشم آمدند، به سرعت گذشته خود را از یاد بردند و در مقام منتقد و طلبکار، ژست روشنفکرانه به خود گرفتند. امیرحسین قیاسی، نمونه‌ای تمام‌عیار از همین فرآیند است؛ محصول همان موج استندآپ‌سازی و چهره‌پروری که اکنون با ادبیاتی معترضانه اعلام می‌کند تا زمان وصل شدن اینترنِت، فعالیتی نخواهد داشت. انگار نه انگار که تمام این دیده‌شدن، تمامی آن عواید مالی قابل توجه، از دل همین تریبون و همین بستر حاصل شده است. این تناقض از کجا نشأت می‌گیرد؟ از همان خلأ درونی، از همان صعود بی‌زحمت و بی‌ریشه؛ و این سرگذشت محتوم انسان‌های کوچکی است که بی‌دلیل بزرگ شده‌اند.

در شرایطی که کشور با مسائل امنیتی جدی و وضعیت جنگی مواجه است، اعمال محدودیت‌ها امری بدیهی است؛ اما واکنش یک چهره در چنین موقعیتی چه باید باشد؟ قهرشیا دانه؟ سکوتی نمایشی؟ یا بهره‌گیری از همان ظرفیت حداقلی برای اثرگذاری؟ اینجاست که تمایز میان فرد مسئول و چهره‌ای تو خالی و بادکنکی آشکار می‌شود. اگر دغدغه مردم حقیقتاً وجود دارد، چرا این «عدم فعالیت» به فیکوری تبلیغاتی فروکاسته می‌شود؟ چرا به جای این اعتراض‌های سطحی و فریادکارانه، توجه مخاطب، هرچند محدود، معطوف به حمایت از کسب‌وکارهای خرد نمی‌شود؟ چرا تبلیغ رایگان برای آنان که زیر فشار همین شرایط در حال آسیب‌دیدن‌اند، در اولویت قرار نمی‌گیرد؟ پاسخ روشن است: ژست، همواره ساده‌تر از کنش است و هزینه‌اش نیز تقریباً هیچ. با این حال، مسئله صرفاً فرد نیست؛ مسئله، سازوکاری است که این چرخه را پیوسته بازتولید می‌کند: چهره‌سازی‌های بی‌پشتوانه، شهرت‌های زودگذر و... بدیهی است که پس از عبور از وضعیت جنگی و رفع مخاطرات امنیتی، بازاندیشی در این ساختار ضرورتی و اجتناب‌ناپذیر است تا دیگر هر عنصر کم‌مایه و بی‌مایه‌ای به راحتی به شهرت نرسد.

در ستایش هدایت هاشمی